

متن پرسش

سلام استاد: من حال خوب نیستم. دانشجوی شریف ام. فعال بسیج دانشجویی. روز به روز بیشتر از معارف الهی مخصوصا از سیر شما بهره مند می‌شوم. ولی همین که کمی در تزکیه نفس جلو می‌روم سقوط می‌کنم و در گیر لهو و لعب می‌شم. استاد من دوست دارم آن حیات طیبه را، آن حقیقت را لمس کنم اما تعلقات دست و پای من را بسته. استاد مثل تشنه‌ای که آب را در چند قدمی‌اش می‌بیند اما فلجه و نمی‌تونه به سمتش حرکت کنه. استاد لطفا کمک کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: قرار سلوک همین است که گاهی ما در «بسط» قرار می‌گیریم و حضرت ربّ العالمین با نور جواد و درخشش خود به سوی ما می‌آید و به قول حافظ ممکن است که ما در طمع خام قرار بگیریم و گمان کنیم دیگر مطلب تمام شد. ولی بعد از مدتی ما در «قبض» قرار می‌گیریم به این معنا که «نه هنوز!» راه‌ها در میان است تا با «صبر» و شکیبایی و عدم بی‌قراری همچنان راه را ادامه دهیم در آن حدّ که به ما فرموده‌اند در قیامت آن‌قدر پاداش پایداری در دین را در شرایط صبر و قبض، به ما می‌دهند؛ که از خدا می‌خواستیم ای کاش همیشه در قبض بودیم. هرچه هست به قول جناب مولوی: «ای برادر عقل یک دم با خود آر/ دم به دم در تو خزان است و بهار». موفق باشید